

گزارش میدانی دیجیاتو: خودکشی تجاری فروشندهگان لوازم خانگی - دیجیاتو

آرش پارساپور | یکشنبه، ۱۰ تیر ۱۳۹۷

سه راه امین حضور بافت قدیمی تهران را حفظ کرده و سرتاسر خیابان لوازم خانگی فروشی است و زوج های جوان و دخترهای جوان بیشتر از بقیه قشرها در پیاده روها دیده می شوند. چندین پاساژ با اسامی مختلف در محله وجود دارد که تابلوهای مزین به نام انواع برندهای ایرانی و خارجی در آنها هویدا است.

آشفته‌گی بازار موبایل و لپ‌تاپ در اینجا آنچنان به چشم نمی‌خورد و مغازه‌داران هم معتقدند که مقداری ثبات به بازار برگشته است اما منکر احتکار هم نمی‌شوند:

«جنس را با سه میلیون تومان سودخالص هم به فروش برسانیم، بعید است که بتوانیم با قیمت مناسب جایگزینش کنیم. کالایی را ۷ میلیون خریدم و ۸.۵ میلیون فروختم، سود زیادی کردم و خودم هم این را می‌دانم اما همان کالا در بار جدید ۹ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان برایم در می‌آید. وقتی نمی‌توانم حتی با سودهای کلان کالایم را جایگزین کنم، نمی‌فروشم مگر اینکه چک داشته باشم.»



سه راه امین حضور هم این روزها نسبت به قبلا بسیار خلوت تر است اما بی مشتری هم نیست

سه کارمند هستند و به گفته خودشان با حقوق شخصی شان مشغول خرید جهیزیه اند. حدودا 25 ساله و مغازه دار هم از اینکه این خانم های جوان دست به جیب خودشان هستند حمایت می کند و تخفیف درست حسابی به آنها می دهد. با شنیدن قیمت ها با هم پیچ می کنند و تصمیم می گیرند 100 تومن بیعانه دهند تا جنس برایشان نگه داشته شود و می گویند دوری می زنند و اگر قیمت کمتری دیدند، پولشان را پس می گیرند. مغازه دار قبول می کند و بعد رفتنشان می گوید:

«بازار را ببین به کجا رسیده که با این شرایط راه می آییم؟ عملا خودمان را بردیم زیر گیوتین و نمی دانیم طناب دست کیست، منظور از خودمان هم مشتری هاست هم ما فروشندگان. اما چرا حاضر به فروش با این شرایط هستیم در صورتی که برخی شنیده اند خرید و فروش در بازار راکد شده هم یک دلیل دارد: چک و اجاره مغازه. اگر این دو موضوع نباشد، من هم حاضر به فروش جنسم نیستم ولی گاهی مجبور هستیم با ضرر هم شده، جنس مغازه را به پول تبدیل کنیم.»



سالها سود کردید و این چند وقت هم تقاص سودهای کلانی که داشتید، بعد از گفتن این حرف، توقع جواب و یا حتی مشتری جانانه از فروشنده دارم اما می‌خندد و می‌گوید: «یعنی فقط ما سود کردیم و بقیه ضرر؟» حالش را می‌خرم و او خوش‌تر از قبل ادامه می‌دهد:

«اول برخی مرزها را بستند و کار را سخت کردند، البته خوشبختانه یکی دو مرز برای واردکردن اجناس نداریم و مصر و دوی و بندر گناوه و ده تا جا دیگه را از ما نگرفتند اما روز به روز به بازار فشار بیشتری می‌آید و همین فشار هم باعث اعتراضات کسبه نسبت به اوضاع شده است. باز هستیم و جنس می‌فروشیم و مشتری هم در بازار لوازم خانگی بالاخره پیدا می‌شود چرا که همیشه عروس دم بخت و خانه‌ای که کالای جدید لازمش باشد داریم ولی یک سال پیش همین موقع، هم وضع ما بهتر بود هم وضع خریداران. بهتر نه، خیلی بهتر.»

نمایندگی‌های برندهای مختلف خارجی که در این منطقه حضور دارند، موجودی بیشتر اجناسشان صفر است یا لاقط اینطور اعلام می‌کنند. سر اجناسی چون ماشین ظرفشویی این موضوع بیشتر حس می‌شود ولی با کمی گز کردن پا روی پیاده‌روهای داغ خیابان ری، می‌توان مغازه‌هایی پیدا کرد که ماشین ظرفشویی هم می‌فروشند:

«با شروع فصل تابستان، هیچ جشنواره محصولات برند ایکس و برند ایگرگ آغاز نشده چرا که در صورت تخفیف بیش از حد دادن، عملاً شرکت‌ها ورشکست می‌شوند. یک حسی هم که در مردم به وجود آمده اینست که اجناس روز به روز گرانتر می‌شوند و برای همین بسیاری از مردم می‌آیند و جهیزیه می‌خرند بدون آنکه عروسی یا نامزدی در کار باشد. مردم ترجیح می‌دهند پولشان را به کالا تبدیل کنند و ما کالا فروشان هم ترجیح همیشگی‌مان اینست ولی الان دست به خودکشی تجاری می‌زنیم و اجناس را می‌فروشیم.»



زوجی جوانی بیرون از این فروشگاه از من می‌پرسند ظرف و ظروف را از کجا بخریم؟ می‌گویم باید بروید شوش و اینجا بورس لوازم خانگیست و جواب می‌شنوم که: «می‌دانیم، آمدیم دیدیم پولمان به این‌ها نمی‌رسد! فعلاً تصمیم گرفتیم ظرف و ظروف بخریم تا خدا بخیر کند.» تصمیم می‌گیرم سراغ کالاهای قاچاق و بی‌گارانتی را بگیرم و با انبوه پیشنهادات روبرو می‌شوم، حسن آقا که مغازه‌ای در طبقه منفی یک پاساژ احسان دارد ویتیرینی سرتاسر از این اجناس دارد و نام گارانتی شرکتی را به برخی از آنها هم وصل کرده است:

« یک 50 هزار تومان پرداخت می‌کنی و 18 ماه گارانتی شرکت «...» را به دستگاه اضافه می‌کنی و از بابت گارانتی هم خیالت راحت می‌شود.»

اما مغازه کنار دستی حسن آقا از کسادی بازار جنس قاچاق می‌گوید و معتقد است که فروشنده‌ها هم با نفروختن جنس قاچاق موافق‌تر شده‌اند چرا که سودهای این گونه اجناس مثل گذشته نیست:

«تفاوت قیمت در برخی اجناس قاچاق و گارانتی اصلی به صد هزار تومان رسیده و همین مساله باعث شده که عقل سلیم حکم کند و مردم با گارانتی معتبر کالاهایشان را بخرند. البته در برخی اجناس همچون کولرگازی و مایکروبو اختلاف قیمت بالاست ولی در عموم لوازم صوتی و تصویری یا ماشین لباسشویی شاهد اختلاف قیمت جزئی هستیم و برخی اجناس همانند اجاق گاز هم به هیچ وجه جنس قاچاقی از آنها در بازار ایران یافت نمی‌شود.»



سه دختر کارمند دم بخت به مغازه برگشتند و می‌گویند در هیچ بخشی از بازار قیمتی کمتر از نرخ اعلام شده فروشنده گیر نیاورده‌اند و دعاکنان تمامی اجناس را از او می‌خرند. مبالغی را کارت می‌کشند و با گرفتن وانتی در همان حوالی، اجناس را بار وانت زده و به خانه می‌برند. مغازه دار فیش‌های واریزی را لای دفتر حساب کتابش می‌گذارد و حین نوشتن می‌گوید: «ما هم از همین مردمیم، 5 خواهرم را خودم فرستادم خانه بخت و هربار خون جگر خوردم تا سروسامان بگیرند. حالا شدند هشت تا خواهر.»

